

بحران مثلثی و اضمحلال قریب الوقع رژیم کودک کش

۸ فروردین ۱۳۹۵ ساعت ۵۰:۰

سطح داخلی ناظر به بحرانهای موجود در جامعه داخلی اسرائیل است. رژیم صهیونیستی در این سطح با مشکلات عدیده و پیچیده ای مواجه است. «بحران هویت» مردمان بی سرزمین اسرائیل که خود از ملیتهای گوناگون اند را باید اصلی ترین و در عین حال موثرترین بحران رژیم صهیونیستی در این سطح به شمار آورد. با استناد به شواهد و قرائن متعدد می توان ادعا نمود که تلاش چند دهه ای رهبران اسرائیل برای حذف «هویت پیشینی» و جایگزینی آن با هویت «پسینی» و در یک کلام «هویت سازی» مردمانی که با هویتهای گوناگون تنها به طمع وعده های پرزرق و برق رهبران اسرائیل گرد هم آمده اند کاری عبث و بی نتیجه بوده است. البته این بحران فراگیر تنها یکی از صدها مشکل پیش روی رهبران رژیم صهیونیستی در سطح داخلی است.

جوان و تاریخ- دکتر جواد حق گو^[۱]

از زمان تشکیل دولت جعلی اسرائیل در سال ۱۹۴۸ مسیحی تاکنون دیدگاه های متعددی در رابطه با آینده و تداوم بقای رژیم صهیونیستی مطرح شده است. پس از شکستهای مکرر ارتشهای عرب از ارتش اسرائیل و رسیدن ساکنان اصلی دیار تحت اشغال صهیونیستها به «خودآگاهی»^[۲] مبتنی بر «خودیاری»^[۳] و به تبع شکل گیری جنبش فراگیر «مقاومت» در منطقه بسیاری از ناظران پیش بینی های بعضاً تهورآمیزی را در رابطه با پایان این رژیم جعلی مطرح نموده اند. با اینحال بیانات اخیر رهبر حکیم انقلاب در این رابطه از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. ایشان با اشاره به قریب الوقوع بودن فروپاشی رژیم صهیونیستی در بازه زمانی کمتر از ۲۵ سال فرمودند:

«... بعد از اتمام این مذاکرات هسته‌ای، شنیدم صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی گفتند فعلاً با این مذاکراتی که شد، تا ۲۵ سال از دغدغهی ایران آسوده‌ایم؛ بعد از ۲۵ سال فکرش را میکنیم. بنده در جواب عرض میکنم اولاً شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید. ان شاءالله تا ۲۵ سال دیگر، به توفیق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدت هم روحیه‌ی اسلامی مبارز و حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت این را بدانند. ملت‌ها بیدار شده‌اند، میدانند دشمن کیست؛ حالا دولت‌ها و بوقهای تبلیغاتی و مانند اینها میخواهند جای دشمن و دوست را عوض کنند، [اما] به جایی نمیرسد. ملت‌ها - ملت‌های مسلمان، بخصوص ملت‌های منطقه - حواسشان جمع است و میدانند. خب، این

بررسی این بیانات و نیز دیگر فرمایشات ایشان در این رابطه [۵] که در مناسبت‌های گوناگون مطرح شده است نشان از آن دارد که بحرانهای نشات گرفته از عنصر «ملت» شاه بیت استدلال‌های رهبری عالی نظام در رابطه با قریب الوقوع بودن نابودی اسرائیل را تشکیل داده است. اگرچه ایشان در بیانات خود بر «ملت‌های مسلمان» به ویژه «ملت‌های مسلمان منطقه» تاکید نموده اند لکن از منظری کلان تر می توان عنصر ملت و بحرانهای حاصل از آن را در سه سطح «داخلی»، «منطقه ای» و «بین المللی» مورد ارزیابی و تدقیق قرار داد. در این معنا رژیم صهیونیستی با «بحرانی مثلثی» [۶] مواجه است که بزرگترین ضلع و به تعبیر ریاضی «قاعده» آن از بحرانهای صادر شده از سوی ملت‌های مسلمان [۷] و دو ضلع دیگر آن از بحرانهای داخلی و بین المللی نشات گرفته از مردم اسرائیل [۸] و دیگر ملل دنیا تشکیل شده است.

اول) سطح داخلی

این سطح ناظر به بحرانهای موجود در جامعه داخلی اسرائیل است. رژیم صهیونیستی در این سطح با مشکلات عدیده و پیچیده ای مواجه است. «بحران هویت» مردمان بی سرزمین اسرائیل که خود از ملیتهای گوناگون اند را باید اصلی ترین و در عین حال موثرترین بحران رژیم صهیونیستی در این سطح به شمار آورد. با استناد به شواهد و قرائن متعدد می توان ادعا نمود که تلاش چند دهه ای رهبران اسرائیل برای حذف «هویت پیشینی» و جایگزینی آن با هویت «پسینی» و در یک کلام «هویت سازی» مردمانی که با هویت‌های گوناگون تنها به طمع وعده های پرزرق و برق رهبران اسرائیل گرد هم آمده اند کاری عبث و بی نتیجه بوده است. البته این بحران فراگیر تنها یکی از صدها مشکل پیش روی رهبران رژیم صهیونیستی در سطح داخلی است.

دوم) سطح منطقه ای

همانطور که اشاره شد به دلایل گوناگون بحرانهای صادر شده از مسلمانان به ویژه مسلمانان منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در قیاس با دو ضلع دیگر بسیار شدیدتر و اساساً در تعیین وضعیت آینده رژیم صهیونیستی موثرتر خواهد بود. برای این ادعا دلایل متعددی وجود دارد با اینحال می توان بنا به شواهد و قرائن متعدد «شکل گیری مقاومت مردم محور» مردم مسلمان منطقه در برابر رژیم صهیونیستی را علت العلل این امر به شمار آورد. اکنون فراگیری گفتمان «مقاومت» در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا تا بدانجا رسیده است که رژیم صهیونیستی، قدرتهای غربی و ارتجاع عرب امروز با تشکیل «اتحادی شوم» متوقف ساختن حرکت پیشروانه نیروهای مقاومت را در دستور کار قرار داده اند. ظهور داعش را باید اصلی ترین تجلی این اتحاد شوم به شمار آورد. پدیده ای که در کنار نمودهای کثیف و حیوانی اش نمادی از قدرت، نفوذ و صلابت گفتمان مقاومت است.

در کنار دو سطح یاد شده نباید بحرانهای نشات گرفته از سطح بین الملل که منشا آنها بیش از هر چیز به خودآگاهی روزافزون ملت‌های دنیا_عم از ملل جنوب و شمال_ بازمی‌گردد را نادیده انگاشت. همزمان با گسترش فن‌آوریهی ارتباطی و آگاهی مردم دنیا از تحولات دیگر نقاط دنیا شاهد تشدید اعتراضات ملل دنیا نسبت به رفتارهای جنایتکارانه رژیم یاعی اسرائیل هستیم. ناگفته پیداست که رشد کنشگری رسانه‌های غیردولتی و غیرانتفاعی در چند دهه اخیر و به تبع شکل‌گیری نهادهای غیردولتی که غالباً با دغدغه‌های انسانی شکل گرفته اند نقشی اساسی در این امر داشته است. همانگونه که نظریه‌های نوین روابط بین الملل از جمله رویکردهای انتقادی معتقدند گروه‌های «حاشیه‌ای» روابط بین الملل که طیف وسیعی از مردم دنیا را تشکیل می‌دهند نقشی اساسی در تحولات آینده نظام بین الملل خواهند داشت.

بر اساس این رویکردهای انتقادی افزایش رابطه میان حاشیه‌ای‌های روابط بین الملل در اندک زمان ممکن ضمن ایجاد و تحکیم هویتی مشترک موجبات اعتراضات فراگیر این گروه‌ها در رابطه با موضوعات مهمی چون «مسئله فلسطین» را به ارمغان خواهد آورد. امری که تاکنون به دفعات در جوامع مختلف و در قالب اعتراضات کاملاً خودجوش مردمی به تجاوزات رژیم صهیونیستی متجلی شده است.

پی نوشتها

[۱]- دکتری روابط بین الملل و استاد دانشگاه تهران

[۲]- در این نوشتار با تسامح کلمه خودآگاهی (Consciousness) را در معنایی مشابه با آنچه مارکس در اشاره به خودآگاهی پرولتاریا مورد استفاده قرار داده به کار برده ایم.

[۳]- کلمه خودیاری (Help Self) به عنوان یکی از کلمات کلیدی پارادایم رئالیسم رشته روابط بین الملل را می‌توان به ساده‌ترین شکل ممکن و از نظر کنث والتز پدر نورئالیسم اینگونه تعریف نمود: اگر شما خودتان تعقیب نگرانی‌های امنیتی را برای خود انجام ندهید، نمی‌توانید از هیچ کس دیگری انتظار داشته باشید که آن را برای شما انجام دهد. آنها ممکن است که به شما کمک نمایند ولی ممکن هم هست که کمک نکنند شما نمیدانید؟ که نمی‌توانید روی آنها حساب کنید. فقط به خودتان متکی باشید.

[۴] - بیانات رهبر انقلاب در دیدار با افشار مختلف مردم (۱۸ شهریور ۱۳۹۴)

[۵] - به عنوان تنها چند نمونه می توان به سه مورد ذیل به عنوان آخرین بیانات ایشان در این رابطه اشاره کرد:

- برخلاف آرزوی احمقانه‌ی اقتدار و استحکامی که سیاست‌بازان خبیث برای رژیم صهیونیستی در سر می‌پروراندند، این رژیم روزبه‌روز به اضمحلال و نابودی نزدیک‌تر شده است. ۸/۷/۹۳

- رژیم صهیونیستی در واقع یک رژیمی است که پایه‌های آن بشدت سست است، رژیم صهیونیستی محکوم به زوال است. ۲۹/۸/۹۳

- امام بزرگوار همان کسی است که در مورد مسئله رژیم صهیونیستی از هیچ کس تقیّه نکرد؛ اینکه رژیم صهیونیستی یک غده‌ی سرطانی است و باید از بین برود، این حرف امام است. ۱۴/۶/۹۳

[۶] - مثلث متساوی‌الساقین مثلثی است که حتماً دو ضلع آن با هم برابر باشند و ضلع سوم می تواند بزرگتر یا کوچکتر از دو ضلع دیگر باشد. در اینجا ضلع نابرابر همانطور که در تصویر آمده است بزرگتر از دو ضلع دیگر است فلذا از این ضلع فشار بیشتری وارد می شود.

[۷] - به ویژه ملت‌های مسلمان منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا

[۸] - در این رابطه باید اشاره نمود که به حسب غاصب بودن مردم اسرائیل از به کار بردن لفظ ملت که بنا به ادبیات رایج در حقوق بین الملل نوعی شناسایی برخی از مردمان یک سرزمین محسوب می گردد پرهیز نموده و با لفظ مردم اسرائیل مورد خطاب قرار گرفته اند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۰۴۶/بحران-مثلث-بزرگ-از-۲۰۱۰-۴۶>